

انگاره زیست پذیری رهیافتی نوین جهت ارتقای کیفیت زندگی در جوامع روستایی (مطالعه موردی: شهرستان قم، بخش کهک)

علی اصغر عیسی لو*، مصطفی بیات**، عبدالعلی بهرامی***

1392/06/09

تاریخ دریافت مقاله:

1392/10/19

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

بهبود کیفیت زندگی در جوامع روستایی، هدف غایی برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه روستایی است. اما در حال حاضر شرایط نامناسب زندگی در سکونتگاه‌های روستایی کشور ما موجب نابرخورداری بخش عمده‌ای از هموطنان از کیفیت زندگی مطلوب شده است. از این رو هدف کلی این تحقیق، شناسایی شاخص‌های جوامع روستایی زیست‌پذیر و ارزیابی این شرایط در وضع موجود در سکونتگاه‌های روستایی بخش کهک شهرستان قم بود.

جامعه آماری تحقیق شامل کلیه ساکنان دائمی در 9 روستای بخش کهک شهرستان قم (N=6935) بودند. تعداد 364 نفر از آن‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای برای مطالعه انتخاب شدند. نتایج نشان می‌دهد شاخص‌های اقتصادی نظیر شغل، سطح درآمد، میزان پس انداز و ...، در میان سایر معیارها، تأثیر به‌سزایی در تعیین میزان زیست‌پذیری در نواحی روستایی این بخش داشته است. به علاوه، نتایج آزمون مقایسه تطبیقی سکونتگاه‌ها با استفاده از آزمون توکی و دانت نیز نشان می‌دهد با وجود آن‌که برخی از روستاها دارای جمعیت و خدمات و امکانات بیشتری هستند، اما از لحاظ زیست‌پذیری (کیفیت شرایط زندگی) در سطح پایین‌تری نسبت به نقاط روستایی کم جمعیت تر قرار دارند. بنابراین رفع چالش‌های اقتصادی و توانمندسازی روستائیان برای بهبود کیفیت زندگی و کاهش تفاوت در شرایط زندگی، اصلی‌ترین عامل زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی به‌شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: زیست‌پذیری، شاخص‌های جوامع روستایی زیست‌پذیر، کیفیت زندگی، سکونتگاه‌های روستایی - بخش کهک شهرستان قم.

* کارشناس ارشد مهندسی شهرسازی، کارشناس فنی بنیاد مسکن استان قم. ali_isalou@yahoo.com

** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی.

*** دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا.

مقدمه

بهبود کیفیت زندگی¹ در جوامع روستایی، هدف غایی برنامه‌ها و پروژه‌ها توسعه روستایی است. اما پیش شرط اصلی جهت دستیابی به این مهم، فراهم ساختن شرایط مناسب برای زندگی² است که می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای کیفیت زندگی در جوامع روستایی گردد (D'Agostini and Fantini, 2008). اینکه کدام شرایط زندگی می‌تواند کیفیت خوب زندگی هر فرد و یا جامعه‌ای را فراهم سازد، حقیقتی است که امروزه بسیاری از برنامه‌ریزان را با چالشی بزرگ مواجه ساخته است. از این رو، تلاش علمی و نظری متعددی تاکنون با هدف شناسایی مناسب‌ترین رهیافت‌ها برای ارتقای کیفیت زندگی در نواحی روستایی از سوی اندیشمندان و کارشناسان علوم مختلف صورت گرفته است (افتخاری و همکاران، 1390؛ متوسلی و همکاران، 1389). برخی از این مطالعات تلاش کرده‌اند تا با طرح مسائل اقتصادی و اجتماعی (نظیر بیکاری، فقر، کمبود فرصت‌های شغلی، سطح پایین سواد و...) به‌عنوان مهم‌ترین معضلات کنونی جوامع روستایی، راهکارهایی را جهت برون رفت از این مسائل ارائه نمایند (Wills-Herrera et al, 2012; Okulicz-Kozaryn, 2011). عده‌ای کمبود خدمات و امکانات بهداشتی-درمانی، اداری، رفاهی و آموزشی را اصلی‌ترین عامل عدم توسعه یافتگی نواحی روستایی عنوان کرده‌اند (Faiz et al, 2012). این گروه معتقدند که نواحی روستایی به دلیل آنکه نمی‌توانند با سطح خدمات و امکانات در شهرها برابری نمایند، بنابراین ساکنان نواحی روستایی به ناچار با هدف دسترسی بهتر به خدمات و امکانات، به سوی شهرها مهاجرت می‌نمایند (Kaal, 2010). البته تعدادی از مطالعات نیز به‌طور ضمنی مشکلات زیست محیطی را به مثابه یکی از عوامل مؤثر در توسعه نیافتگی

سکونتگاه‌های روستایی عنوان کرده‌اند (بهرامی، 1390). از سویی دیگر عده‌ای از محققین بدون در نظر داشتن شرایط موجود زندگی در محیط‌های روستایی تنها تلاش کرده‌اند تا از طریق نظرسنجی سطح رضایت ساکنین از زندگی در نواحی روستایی را مورد ارزیابی قرار دهند. در واقع این گروه در پی آنند تا کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی را از دیدگاه ساکنین به تصویر کشانند (Bloom et al, 2001).

بدیهی است که سکونتگاه‌های روستایی در سرتاسر جهان با مشکلات و مسائل عدیده‌ای و متفاوتی دست به گریبان هستند اما شناسایی و درک نیازهای ساکنین روستاها (تقاضای ذهنی) و زیست‌پذیرسازی (شرایط مناسب عینی) این سکونتگاه‌ها می‌تواند کیفیت زندگی (رضایت ذهنی) در نواحی روستایی را ارتقاء بخشد و به تبع آن امکان دستیابی به اهداف کلی توسعه پایدار روستایی فراهم سازد. از این رو، اخیراً برخی از نویسندگان تلاش کرده‌اند تا مفهوم زیست‌پذیری روستایی و شاخص‌های آن را مشخص نمایند. متأسفانه مطالعات آکادمیک فعلی صورت گرفته پیرامون زیست‌پذیری³، بیشتر متمرکز بر شهرهای بزرگ بوده و نواحی روستایی کمتر مدنظر قرار گرفته‌اند. البته تعداد اندک مطالعاتی که در این زمینه انجام شده، صرفاً به صورت نظری بوده و هیچ‌گونه ارزیابی در نواحی روستایی صورت نگرفته است (Wang, 2010). براین اساس تحقیق حاضر با هدف تعیین مؤلفه‌های سازنده جوامع روستایی زیست‌پذیر بر پایه مطالعات پیشین و ارزیابی میزان کیفیت شرایط زندگی (زیست‌پذیری) از دیدگاه ساکنان نواحی روستایی کشورهای در حال توسعه‌ای نظیر ایران به رشته تحریر درآمده است.

مبانی نظری

زیست‌پذیری روستایی

مائو میزان تحصیلات در یک منطقه بیانگر کیفیت زندگی روستائیان است. نوع سوم شاخصی است برای اندازه گیری سطح خدمات و امکانات رفاهی در روستا است که منعکس کننده استانداردهای زندگی روستائیان می باشد. نوع چهارم شاخصی است برای اندازه گیری خدمات پزشکی و وضعیت بهداشتی در نواحی روستایی که عمدتاً منعکس کننده سهولت درمانهای پزشکی و سطح امکانات پزشکی و غیره است. شاخص نوع پنجم برای اندازه گیری وضعیت امنیت اجتماعی در نواحی روستایی است. امنیت اجتماعی یک منطقه به حدی مهم است که مکملی خوب برای توسعه اقتصادی، فرهنگ و آموزش منطقه است (Wang, 2010).

مطابق با تعریف مؤسسه سیاستگذاری حمل و نقل ویکتوریا، زیست پذیری اشاره به کیفیت‌هایی محیطی و اجتماعی یک منطقه دارد که به خوبی توسط ساکنین، کارکنان، مشتریان و دیدار کنندگان قابل درک می باشد. این موارد شامل ایمنی و بهداشت (ایمنی ترافیک، امنیت شخصی، بهداشت عمومی)، شرایط زیستی محیطی محل (تمیزی، سر و صدا، غبارات، کیفیت هوا، کیفیت آب)، کیفیت تعاملات اجتماعی (دلپذیر بودن محل، برابری، احترام، هویت و غرور جامعه)، فرصت‌هایی برای تفریح و سرگرمی، زیبایی شناسی و وجود منابع منحصربه فرد فرهنگی و محیطی (مثلاً ساختارهای تاریخی، درختان کهنسال و شیوه‌های معماری سنتی) می شوند (VTPI, 2010).

فیض و همکاران (2012)، بر این باورند که برای سنجش میزان زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی فاکتورهای مختلفی نظیر سرمایه انسانی (مهارت، دانش و توانایی جهت انجام کار)، اجتماعی (وجود حس اعتماد میان افراد، عضویت در گروه‌های و دسترسی به نهادهای اجتماعی)، مالی (میزان پس‌انداز، اعتبار و درآمد و

هر انسانی فارغ از اینکه در شهر یا روستا زندگی کند، در پی دستیابی به زندگی مطلوب و رضایت بخش است و طبیعتاً برای داشتن زندگی مطلوب، رضایت بخش و پر معنی، زمینه‌ها و عواملی لازم است که انسان بتواند بر پایه آن آسایش و رفاه درازمدتی را برای خود و اجتماعش فراهم نماید (رستمعلی زاده، سلیمانی، 1390). این شرایط که به اعتقاد برخی از نویسندگان مترادف با "زیست پذیری" یا "شرایط مناسب برای زندگی" است به‌طور کلی اشاره به مجموعه‌ای از ویژگی‌های عینی دارد که یک مکان را به جایی بدل می‌سازد که مردم تمایل دارند هم اکنون و هم در آینده در آن زندگی نمایند (VCEC, 2008).

این انگاره به‌طور کلی مفهومی پیچیده و نسبی است. پیچیده است از آن رو که مسلماً عوامل متعددی در بهبود شرایط زندگی فرد و جامعه دخیل می‌باشد و نسبی است از آن رو که ممکن است اصول و مشخصه‌هایی که در یک جامعه به‌عنوان شرایط مطلوب برای زندگی تصور می‌گردد، از منظر دیگر و یا در بخش دیگر از دنیا همان ویژگی‌ها، به شدت نامطلوب به نظر آید (Konx, 2011). از این رو در این بخش با مرور برخی از دیدگاه‌های مرتبط با جوامع زیست‌پذیر می‌کوشیم تا در ارتباط با مشخصه‌های جوامع زیست‌پذیر - به‌ویژه زیست‌پذیری روستایی - به یک اجماع نظر دست یابیم.

ژانگ مائو (2010) اظهار می‌دارد شاخص‌های زیست‌پذیر روستایی به 5 گروه قابل تقسیم‌بندی است. نوع اول مادی است که به‌عنوان شاخص اصلی برای اندازه‌گیری استانداردهای زندگی مردم استفاده می‌شود که معیارهایی نظیر سطح درآمد و میزان پس‌انداز روستائیان را در بر می‌گیرد. وضعیت مناسب مادی، می‌تواند شرایط زندگی خوبی برای روستائیان مهیا سازد و آن‌ها را توانمند سازد. نوع دوم شاخص تحصیلی است. به اعتقاد

مستمری های بازنشستگی)، طبیعی (زمین، آب، حیات وحش، تنوع زیستی و منابع طبیعی)، فیزیکی (زیرساخت‌هایی نظیر حمل و نقل، سرپناه، انرژی و ارتباطات) و سیاسی می‌بایستی مد نظر قرار گیرد. وی در مجموع خاطر نشان می‌سازد که شاخص‌های فوق به مثابه مناسب‌ترین و کامل‌ترین چارچوب جهت ارزیابی وضعیت معیشت و زندگی روستائیان می‌باشد (Faiz et al, 2012).

رضوانی و همکاران (1388)، ارزیابی وضعیت زندگی سکونتگاه‌های روستایی را که طی 10 سال اخیر به شهر تبدیل شده‌اند از طریق شاخص‌هایی نظیر مسکن، آموزش، سلامت، بهزیستی فردی، مشارکت، اطلاعات و ارتباطات، تفریح و اوقات فراغت، کار، درآمد و ثروت و کیفیت محیط امکان پذیر می‌دانند. طاهری و همکاران (1389)، طی مطالعه‌ای ضمن بسط مفهوم کیفیت زندگی؛

به معرفی مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر کیفیت زندگی در جوامع روستایی می‌پردازند. ایشان در این بررسی شاخص‌های کیفیت آموزش، امنیت، اوقات فراغت، کیفیت زیر ساخت، کیفیت محیط مسکونی، کیفیت محیط طبیعی، کیفیت اشتغال و درآمد را به‌عنوان مهم‌ترین شاخص‌ها جهت ارزیابی کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی معرفی می‌نمایند.

رستمعلی زاده و سلیمانی (1390)، در یک مطالعه نظری گسترده مدل بهزیستی در نواحی روستایی را ارائه نمودند. ایشان در این بررسی سنجش بهزیستی روستایی را در دو سطح فردی (اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی) و اجتماعی (اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی) معرفی نموده که هر یک از این سطوح دارای معیارها و زیر معیارهای خاصی می‌باشند که در جدول 1 به تفصیل به آن‌ها اشاره شده است.

شاخص‌ها	سال	نویسندگان
مادی، سطح تحصیلات، خدمات و امکانات رفاهی، خدمات بهداشتی درمانی، امنیت اجتماعی.	2010	مانو
ایمنی و بهداشت، شرایط زیستی محیطی مناسب، کیفیت تعاملات اجتماعی، وجود خدمات و امکانات رفاهی	2010	مؤسسه سیاست‌گذاری حمل و نقل و ویکتوریا
سرمایه انسانی (مهارت، دانش و توانایی جهت انجام کار)، اجتماعی (وجود حس اعتماد در ارتباط میان افراد، عضویت در گروه‌های و دسترس به نهادهای اجتماعی)، مالی (میزان پس‌انداز، اعتبار و درآمد و مستمری های بازنشستگی)، طبیعی (زمین آب حیات وحش، تنوع زیستی منابع طبیعی)، فیزیکی (زیر ساخت‌هایی نظیر حمل و نقل، سرپناه، انرژی و ارتباطات) و سیاسی	2012	فیض و همکاران
مسکن، آموزش، سلامت، بهزیستی فردی، مشارکت، اطلاعات و ارتباطات، تفریح و اوقات فراغت، کار، درآمد و ثروت، کیفیت محیط	1388	رضوانی و همکاران
کیفیت آموزش، امنیت، اوقات فراغت، کیفیت زیر ساخت، کیفیت محیط مسکونی، کیفیت محیط طبیعی، کیفیت اشتغال و درآمد	1389	طاهری و همکاران
الف - سطح فردی) 1. اجتماعی: میزان آموزش، رهبری، شادکامی، رضایت اجتماعی، حمایت اجتماعی، فعالیت اجتماعی، رضایت شغلی، کیفیت زندگی، قدرت خرید، اعتماد، تعلق اجتماعی، اوقات فراغت و ... 2. اقتصادی: بیکاری، اشتغال، سطح درآمد، دستیابی به آموزش عالی، سلامت مالی فردی و ... 3. بهداشتی: سلامت فردی، ارزیابی روانی و ... ب - سطح اجتماعی) 1. اجتماعی شبکه اجتماعی، مشارکت، حمایت اجتماعی، تغییرات جمعیتی، تفریح و سرگرمی و ... 2. اقتصادی: درآمد اشتغال، سرمایه گذاری، بیکاری فقر و ... 3. بهداشتی: رضایت از شرایط زندگی، امکانات، تراکم، جمعیت حمل و نقل، تعداد روزهای دارای هوا پاک در محل و ...	1390	رستمعلی و سلیمانی
1. اجتماعی: سطح سواد، امنیت اجتماعی، معاشرت با اهالی روستا، حس تعلق به اجتماع و مکان. 2. اقتصادی: میزان درآمد، میزان پس‌انداز، وجود فرصت‌های شغلی مناسب، امنیت شغلی. 3. کالبدی: خدمات رفاهی - آموزشی (مراکز بهداشتی-درمانی، آموزشی، خرید) خدمات زیر بنایی (آب، برق، گاز، تلفن و...)، وضعیت زیبایی شناختی روستا، حمل و نقل، مسکن. 4. زیست محیطی: کیفیت خاک، آب، هوا		ابعاد و شاخص‌های منتخب

ج 1. ویژگی‌های کلی جوامع روستایی زیست‌پذیر.

آحاد جامعه فراهم می‌گردد (Carlsson and Frederiksen, 2002; Kazana and Kazaklis, 2009). این تفسیرگویای آن است که دو مفهوم یاد شده در طول یکدیگر قرار دارند؛ یعنی کیفیت مطلوب زندگی تنها در سایه وجود شرایط مناسب زندگی (زیست‌پذیری) در یک مکان محقق خواهد شد.

براین اساس می‌توان مدل مفهومی رابطه میان زیست‌پذیری و کیفیت زندگی را به صورت چرخه‌ای (مدور) ترسیم نمود. به طوری که انسان همواره در پی نیازها و تقاضاهای ذهنی خود، در محیط‌های بیرونی یا پیرامونی خود در جستجوی پاسخی مثبت و بهینه می‌باشد. در صورتی که شرایط موجود و عینی با کیفیت مناسب پاسخگوی نیازهای وی باشد مسلماً در پی آن رضایت ذهنی و نهایتاً کیفیت زندگی (لذت بردن از زندگی) حاصل خواهد شد. مجدداً با تأمین یکسری نیازها تقاضاهای جدیدی در ذهن شکل می‌گیرد و این چرخه همچنان ادامه می‌یابد. بدین ترتیب سکونتگاه‌های موفق و زیست‌پذیر همواره بایستی پویا و پاسخگوی نیازهای ساکنین خود باشند.



1. ارتباط زیست‌پذیری و کیفیت زندگی.

مجموع تعاملات میان ساختارهای اقتصادی - اجتماعی و طبیعی - کالبدی است که موجبات پایداری سکونتگاه‌های روستایی را فراهم می‌کند و در واقع عینیت یافتن نیازهای ذهنی موجب ایجاد فضای ذهنی می‌شود که به زیست‌پذیری در سکونتگاه‌های روستایی می‌انجامد.

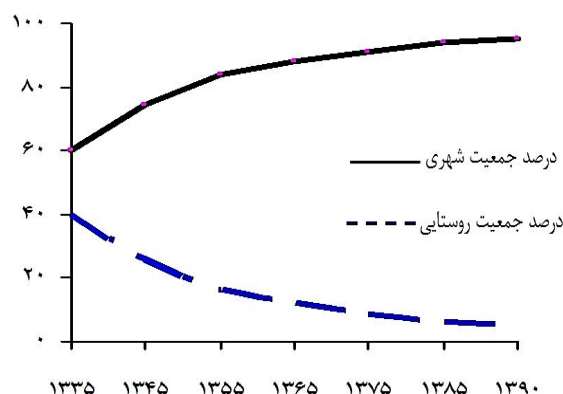
رابطه بین زیست‌پذیری و کیفیت زندگی

کیفیت زندگی همانند زیست‌پذیری مفهومی پیچیده و چند بعدی است که از مؤلفه‌هایی نظیر مکان و زمان و نیز ارزش‌های فردی و اجتماعی تأثیر می‌پذیرد و از این رو از دیدگاه افراد و گروه‌های مختلف، با معانی گوناگونی همراه است. برخی آن را مترادف با زیست‌پذیری یک ناحیه، برخی دیگر اندازه‌ای برای میزان جذابیت و برخی نیز رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایتمندی و مواردی از این دست تعبیر کرده‌اند (فرجی سبکبار و همکاران، 1390). همین درهم تنیدگی میان معانی و مفاهیم دو عبارت زیست‌پذیری و کیفیت زندگی موجب شده در برنامه‌ریزی شهری این دو عبارت اغلب به جای یکدیگر استفاده شوند.

اما با وجود اینکه تشابه بسیار زیادی که میان دو ایده زیست‌پذیری و کیفیت زندگی وجود دارد، تمایز میان این دو را می‌توان در وجود امکانات محیط‌های ساخته شده و طبیعی (زیست‌پذیری) و تجربه و قضاوت (خوب، بد و یا بی تفاوت) کاربران پس از استفاده از آنها (کیفیت زندگی) عنوان کرد (VanZerr and Seskin, 2011). به بیانی دیگر کیفیت زندگی، موضوعی انتزاعی (ذهنی) است که با رفاه کلی و عمومی افراد ارتباط دارد (Be'renger and Verdier-chouchane, 2006)؛ در حالی که زیست‌پذیری به معنای وضعیت و شرایطی عینی است که در آن ملزومات اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، زیست محیطی به منظور آسایش و رفاه درازمدت

معرفی محدوده مورد مطالعه

سکونتگاه‌های روستاهایی واقع در استان (شهرستان) قم به مانند اکثر نقاط روستایی کشور طی نیم قرن اخیر با کاهش قابل توجهی از جمعیت روستایی مواجه بوده است. به استناد داده‌های ارائه شده توسط مرکز آمار ایران از سال 1335 تاکنون جمعیت روستایی استان قم از 39/7 درصد کل جمعیت استان به 4/8 درصد کاهش یافته است (نمودار 2). هرچند تبدیل نقاط روستایی به نقاط شهری و یا افزایش جمعیت شهری قم در تغییر این نسبت‌ها بی‌تأثیر نبوده است؛ اما افزایش میزان پاسخدهی نواحی شهری به نیازهای جدید روستاییان در مقایسه با سکونتگاه‌های روستایی، باعث شده تا روند مهاجرت روستا شهری در این استان تسریع گردد و روز به روز از جمعیت نواحی روستایی کاسته شود. بنابراین ضرورت ایجاد می‌کند تا وضعیت کیفیت شرایط زندگی (زیست‌پذیری) ارزیابی گردد. بنابراین بخش کهک به‌عنوان یکی از پنج بخش شهرستان قم به‌عنوان محدوده مورد مطالعه این تحقیق انتخاب گردید.



ن2. درصد رشد شهرنشینی و کاهش جمعیت روستایی استان قم (1335-1390).

ماخذ: سرشماری نفوس و مسکن سال 1390

بخش کهک با مساحتی بالغ بر 648 کیلومتر مربع، در موقعیت جغرافیایی 50 درجه و 43 دقیقه و 33 ثانیه تا 50 درجه 43 دقیقه و 28 ثانیه طول شرقی، 34 درجه 9 دقیقه 20 ثانیه تا 34 درجه 35 دقیقه و 14 ثانیه عرض شمالی واقع شده است. مطابق سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1390، این بخش دارای 2 دهستان، 142 روستای دارای سکنه، 9 روستای خالی از سکنه و 31543 نفر جمعیت در قالب 6245 خانوار بوده که از این میزان 1073 نفر در قالب 346 خانوار شهری و 29831 نفر در قالب 5899 خانوار در نقاط روستایی ساکن هستند. این بخش 40/64 درصد جمعیت روستایی شهرستان قم را در درون خود جای داده است. روستاهای منتخب جهت بررسی در این مطالعه شامل روستای ورجان، وشنوه، دستگرد، خاوه، و نارچ، فردو، سیرو، قبادبزن، بیدهند و کرمجگان می‌باشند.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

هدف اصلی مطالعه حاضر "ارزیابی کیفیت شرایط زندگی در نواحی روستایی بخش کهک" می‌باشد. بنابراین ساکنان دائمی (نه موقتی یا فصلی) در 9 روستای این بخش، به‌عنوان جامعه آماری تحقیق حاضر انتخاب گردیدند با توجه به اینکه شرایط زندگی در هر 9 روستا بخش کهک با یکدیگر متفاوت است؛ لذا در این بررسی از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی استفاده شده است. علت استفاده از این روش از آن جهت بود که امکان مقایسه تطبیقی نتایج به‌دست آمده از نقاط روستایی وجود داشته باشد.

فرمول کوکران به‌عنوان روش مناسب جهت برآورد حجم نمونه هریک از از طبقات (نقاط روستایی) مورد استفاده قرار گرفت. به‌طوری که ضریب اطمینان 95 مبنای محاسبات نگارندگان قرار گرفت. بدین ترتیب

فردو و وشنوه (به‌عنوان نمونه) توزیع گردید تا اعتبار درونی پرسشنامه مورد ارزیابی قرار گیرد. در نهایت با حذف تعدادی از سؤالات و رفع برخی از ابهامات پیش آمده در طراحی پرسشنامه، تلاش شد تا ارتباط سؤالات طرح شده با اهداف تحقیق مستحکم‌تر گردد.

جهت تعیین روایی پرسشنامه از پانل متخصصان و به‌منظور برآورد پایایی آن از آزمون ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. جدول 3 و 4، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده را برای هر یک از قسمت‌های پرسشنامه که بالاتر از 0/7 بوده نشان می‌دهد. بنابراین پرسشنامه از پایایی خوبی برای انجام تحقیق برخوردار بود. به‌منظور تحلیل داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. بدین منظور در بخش آمار توصیفی از فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار در بخش استنباطی از همبستگی پیرسون، تحلیل مسیر و آزمون مقایسه میانگین‌ها استفاده شد.

ضریب آلفا کرونباخ	تعداد پارامترها	ابعاد
0/712	4	اجتماعی
0/768	4	اقتصادی
0/661	3	زیست محیطی
0/835	5	کالبدی (فیزیکی)

ج 3. نتایج آزمون پایایی پرسشنامه.

یافته‌ها

ویژگی‌های فردی پاسخ دهندگان

بررسی وضعیت جنسی پاسخ‌دهندگان بیانگر آن است که 85/7 درصد از جامعه آماری این پژوهش را مردان و 14/3 درصد آنان را زنان تشکیل می‌دهند. بنابراین اکثریت پاسخ دهندگان را مردان تشکیل می‌دهند.

تعداد 364 نفر به‌عنوان حجم نمونه برآورد گردید، سپس این میزان به نسبت اندازه هر جامعه (طبقه) توزیع گردید تا از این طریق بررسی‌های لازم صورت گیرد.

دسته‌ها (طبقات)	جمعیت	تعداد خانوار	حجم نمونه
ورجان	1029	321	54
وشنوه	365	143	19
دستگرد	174	63	9
خواه	664	210	35
ونارچ	999	282	52
فردو	667	227	35
سیرو	890	270	47
بیدهند	739	245	39
کرمجگان	1408	464	74

ج 2. تعداد جمعیت و خانوار روستاهای بخش کهک.

ماخذ: سرشماری نفوس و مسکن سال 1390، محاسبات

نگارندگان

ابزار گردآوری اطلاعات

پرسشنامه، ابزار اصلی جهت جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز بود. سؤالات پرسشنامه به 4 شکل بسته، باز و نیمه باز تدوین گردید و از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده شد. سؤالات مرتبط با ویژگی‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی افراد و خانوارها (نظیر جنسیت، سن، سطح سواد، نوع شغل و...) به سه صورت باز، نیمه باز و بسته در پرسشنامه مطرح گردید و سؤالات مرتبط با ارزیابی کیفیت شرایط زندگی در جامعه روستایی به‌صورت مقیاس 5 گزینه‌ای لیکرت طراحی شدند. در ادامه تعداد 18 پرسشنامه - که مورد تأیید کارشناسان نیز بود - به‌صورت آزمایشی میان ساکنین روستای سیرو،

همچنین 14/8 درصد از افراد مورد مطالعه در گروه سنی کمتر از 26 سال، 66/7 درصد در گروه سنی 50 تا 26 سال و 18/4 درصد نیز در گروه سنی بیش از 50 سال قرار دارند. بنابراین جامعه نمونه این پژوهش را افراد میان سال بین (26-50) تشکیل می دهند. وضعیت تحصیلی و سواد پاسخ دهندگان نیز مورد بررسی قرار گرفت و مشخص گردید که 26/1 درصد پاسخ دهندگان افراد بی سواد بوده، 39/8 درصد دارای سواد ابتدایی هستند و 22/8 درصد راهنمایی، 5/2 درصد دبیرستان و پیش دانشگاهی، 2/2 درصد نیز دارای تحصیلات عالی می باشند. البته 3/8 درصد نمونه تحقیق را با سوادان غیر آموزش رسمی (سایر) تشکیل می دهند. بررسی وضعیت اشتغال در میان جامعه آماری این تحقیق نشان داد که 75/3 درصد پاسخ دهندگان شاغل و 24/7 درصد از آنان غیر شاغل می باشند.

یافته‌های تحلیلی

با توجه به اینکه در این بررسی از نظر مقیاس

فاصله‌ای بیش از دو جامعه مستقل، با یکدیگر مقایسه می گردد؛ لذا از روش تحلیل واریانس استفاده کردیم که برای این بررسی مناسب بود. همچنین برای مقایسه میانگین‌های این سطوح از تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) استفاده شد. نتایج در جدول شماره 4 و 5 ارائه شده است.

براساس جدول 4 مشاهده می شود که در آزمون مقایسه بین واریانس‌های کیفیت شرایط زندگی (زیست پذیری) روستاها اختلاف معناداری از نظر آماری وجود ندارد ($P\text{-value} > 0.05$). اما براساس ارقام مندرج در جدول 5 این گونه استنباط می شود که بین میانگین‌های زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی محدوده اختلاف معناداری وجود دارد.

با توجه به اینکه داده‌ها نشان دهنده آن است که میانگین‌های روستاها با هم تفاوت معناداری دارند در نتیجه به دنبال اختلاف‌ها می‌باشیم. از این رو، در جدول 6 و 7 به مقایسه تطبیقی سکونتگاه‌ها با استفاده از آزمون توکی و دانت پرداخته‌ایم.

کیفیت شرایط زندگی (زیست پذیری)			
سطح معناداری	درجه آزادی 2	درجه آزادی 1	آماره لون
0.006	299	67	3.329

ج 4. آزمون برابری واریانس‌ها.

ANOVA					
سطح معناداری	F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	بین گروهی
0.531	0.895	6.786	67	54.289	بین گروهی
		7.581	299	257.757	درون گروهی
			364	312.047	مجموع

ج 5. تحلیل واریانس.

$$F = \frac{\text{Between Groups}}{\text{Within Groups}}$$

متغیر وابسته: کیفیت شرایط زندگی							
	نام روستا (I)	نام روستا (J)	میانگین تفاوت (I-J)	خطای استاندارد	سطح معناداری	95% فاصله اطمینان	
						حد بالا	حد پایین
Tukey HSD	ورجان	وشنوه	-3.19	1.9	0.7	-9.4775	3.0965
		دستگرد	-1.58	2.1	0.9	-8.5418	5.3751
		شاوه	-0.08	2.1	1	-7.0418	6.8751
		ونارچ	-0.73	2	1	-7.3869	5.9202
		فردو	0.33	2.2	1	-7.1055	7.7722
		سیرو	-1.16	1.9	0.9	-7.6089	5.2756
		بیدهند	-0.50	1.9	1	-6.9423	5.9423
		کرمجگان	0.06	2	1	-6.5869	6.7202
	فردو	ورجان	3.19	1.9	0.7	-3.0965	9.4775
		دستگرد	1.60	1.7	0.9	-4.1033	7.3176
		شاوه	3.10	1.7	0.6	-2.6033	8.8176
		ونارچ	2.45	1.6	0.8	-2.8776	7.7918
		فردو	3.52**	1.9	0.6	-2.7632	9.8108
		سیرو	2.02	1.5	0.9	-3.0449	7.0926
		بیدهند	2.69	1.5	0.7	-2.3783	7.7592
		کرمجگان	3.25	1.6	0.5	-2.0776	8.5918
	دستگرد	ورجان	1.58	2.1	0.9	-5.3751	8.5418
		وشنوه	-1.60	1.7	0.9	-7.3176	4.1033
		شاوه	1.50	1.9	0.9	-4.9423	7.9423
		ونارچ	0.85	1.8	1	-5.2617	6.9617
		فردو	1.91	2.1	0.9	-5.0418	8.8751
		سیرو	0.41	1.7	1	-5.4643	6.2976
		بیدهند	1.08	1.70	0.9	-4.7976	6.9643
		کرمجگان	1.65	1.8	0.9	-4.4617	7.7617
	کرمجگان	ورجان	0.08	2.1	1	-6.8751	7.0418
		وشنوه	-3.10	1.7	0.6	-8.8176	2.6033
		دستگرد	-1.50	1.9	0.9	-7.9423	4.9423
		ونارچ	-0.65	1.8	1	-6.7617	5.4617
فردو		0.41	2.1	1	-6.5418	7.3751	
سیرو		-1.08	1.7	0.9	-6.9643	4.7976	
بیدهند		-0.41	1.7	1	-6.2976	5.4643	
کرمجگان		0.15	1.8	1	-5.9617	6.2617	

ج 6. تطبیق چندگانه از طریق آزمون توکی و دانست.

متغیر وابسته: کیفیت شرایط زندگی							
	نام روستا (I)	نام روستا (J)	میانگین تفاوت (I-J)	خطای استاندارد	سطح معنا داری	95% فاصله اطمینان	
						حد بالا	حد پایین
Tukey HSD	ونارچ	ورجان	0.73	2	1	-5.9202	7.3869
		وشنوه	-2.45	1.6	0.8	-7.7918	2.8776
		دستگرد	-0.85	1.8	1	-6.9617	5.2617
		خاوه	.65	1.8	1	-5.4617	6.7617
		فردو	1.06	2	1	-5.5869	7.7202
		سیرو	-0.43	1.6	1	-5.9502	5.0835
		بیدهند	0.23	1.6	1	-5.2835	5.7502
		کرمچگان	0.80	1.7	1	-4.9621	6.5621
	وشنوه	ورجان	-0.33	2.2	1	-7.7722	7.1055
		وشنوه	-3.52 **	1.9	0.6	-9.8108	2.7632
		دستگرد	-1.91	2.1	0.9	-8.8751	5.0418
		خاوه	-0.41	2.1	1	-7.3751	6.5418
		ونارچ	-1.06	2	1	-7.7202	5.5869
		سیرو	-1.50	1.9	0.9	-7.9423	4.9423
		بیدهند	-0.83	1.9	1	-7.2756	5.6089
		کرمچگان	-0.26	2	1	-6.9202	6.3869
	سیرو	ورجان	1.16	1.9	0.9	-5.2756	7.6089
		وشنوه	-2.02	1.5	0.9	-7.0926	3.0449
		دستگرد	-0.41	1.7	1	-6.2976	5.4643
		خاوه	1.08	1.7	0.9	-4.7976	6.9643
		ونارچ	0.43	1.6	1	-5.0835	5.9502
		فردو	1.50	1.9	0.9	-4.9423	7.9423
		بیدهند	0.66	1.5	1	-4.5934	5.9267
		کرمچگان	1.23	1.6	.9	-4.2835	6.7502
	بیدهند	ورجان	0.50	1.9	1	-5.9423	6.9423
		وشنوه	-2.69	1.5	0.7	-7.7592	2.3783
		دستگرد	-1.08	1.7	0.9	-6.9643	4.7976
		خاوه	0.416	1.7	1	-5.4643	6.2976
		ونارچ	-0.23	1.6	1	-5.7502	5.2835
		فردو	0.83	1.9	1	-5.6089	7.2756
		سیرو	-0.66	1.5	1	-5.9267	4.5934
		کرمچگان	0.56	1.6	1	-4.9502	6.0835
	خاوه	ورجان	-0.06	2	1	-6.7202	6.5869
		وشنوه	-3.25**	1.6	0.5	-8.5918	2.0776
		دستگرد	-1.65	1.8	0.9	-7.7617	4.4617
		خاوه	-0.15	1.8	1	-6.2617	5.9617
		ونارچ	-0.80	1.7	1	-6.5621	4.9621
		فردو	0.26	2	1	-6.3869	6.9202
		سیرو	-1.23	1.6	0.9	-6.7502	4.2835
		بیدهند	-0.56	1.6	1	-6.0835	4.9502

ادامه ج 6. تطبیق چندگانه از طریق آزمون توکیو دانت.

متغیر وابسته: کیفیت شرایط زندگی							
	نام روستا (I)	نام روستا (J)	میانگین تفاوت (I-J)	خطای استاندارد	سطح معنا داری	95% فاصله اطمینان	
						حد بالا	حد پایین
Dunnett t (2-sided) ^a	فردو	ورجان	3.19	1.9	0.3	-2.0115	8.3924
	دستگرد	ورجان	1.58	2.1	0.9	-4.1742	7.3408
	خاوه	ورجان	0.08	2.1	1	-5.6742	5.8408
	ونارچ	ورجان	0.73	2	0.9	-4.7719	6.2386
	وشنوه	ورجان	-0.33	2.2	1	-6.4884	5.8217
	سیرو	ورجان	1.16	1.9	0.9	-4.1637	6.4971
	بیدهند	ورجان	0.50	1.9	1	-4.8304	5.8304
	کرمجگان	ورجان	-0.06	2	1	-5.5719	5.4386

a. آزمون دانن یک گروه را به عنوان گروه کنترل انتخاب می کند و سایر گروه ها را با آن مقایسه می کند

ادامه ج 6. تطبیق چندگانه از طریق آزمون توکیو دانن.

کیفیت شرایط زندگی (زیست پذیری)						
	نام روستا	تعداد	0.05 = زیر مجموعه ای برای آلفا			
			1	2	3	4
Tukey HSD ^{a,b}	وشنوه	3	4.33			
	خاوه	5	4.60			
	ورجان	3	4.66			
	کرمجگان	4	4.75			
	بیدهند	6		5.16		
	ونارچ	5		5.40		
	سیرو	6		5.83		
	دستگرد	4			6.25	
	فردو	7				7.85
	Sig.			0.619		
Duncan ^{a,b}	وشنوه	3	4.33			
	خاوه	5	4.60			
	ورجان	3	4.66			
	کرمجگان	4	4.75			
	بیدهند	6		5.16		
	ونارچ	5		5.40		
	سیرو	6		5.83		
	دستگرد	4			6.25	
	فردو	7				7.85
	Sig.			0.114		

میانگین برای گروه ها در زیر مجموعه های همگن نشان داده شده است

a. استفاده از اندازه نمونه اعداد متقابل = 4.406

b. اندازه های گروه نابرابر هستند. اعداد متقابل اندازه های گروه استفاده شده است

ج 7. زیر مجموعه همگن تعیین سطوح زیست پذیری.

هر جا $Sig < 0.025$ باشد نشان می‌دهد که فرض برابری دو میانگین رد شده است. به بیان دیگر بین میانگین کیفیت زندگی برای دو روستا تفاوت معناداری وجود دارد. علت استفاده از $Sig < 0.025$ به جای $Sig < 0.05$ در این است که آزمون دانت یک آزمون دو دامنه‌ای است (2-Side).

نتایج نشان می‌دهند که میان میانگین تمام روستاها تفاوت معنا داری وجود دارد ($Sig < 0.025$). در خروجی مربوط به آزمون توکی، تمام روستاها با هم مقایسه می‌شوند. در این آزمون به علت یک دامنه بودن هر کجا $Sig < 0.05$ فرض برابری میانگین‌ها رد می‌شود (به بیان دیگر بین میانگین کیفیت زندگی دو روستا از نظر آماری تفاوت معناداری وجود دارد).

Tukey's HSD رابطه 1:

$$\frac{M_1 - M_2}{\sqrt{MS_w \left(\frac{1}{n} \right)}}$$

M = treatment/group mean
n = number per treatment/group

در خروجی مربوط به زیرمجموعه‌های همگن آزمون‌های توکی و دانکن میانگین‌هایی که با هم تفاوت ندارند را در یک زیر گروه قرار می‌دهند.

به طور معمول نتایج به دست آمده از آزمون‌ها هر کدام تأییدی بر نتیجه آزمون دیگر است. البته با توجه به درجه دقت آزمون‌ها در بعضی مواقع ممکن است که نتیجه به دست آمده در یک آزمون با نتیجه به دست آمده در آزمون دیگر متفاوت باشد. براین اساس مطابق نتایج ارائه شده در جدول 6 و 7 مشاهده می‌شود که به ترتیب روستای فردو، سیرو و بیدهند هر کدام با اخذ 6، 6، 6 امتیاز سه روستایی هستند که دارای بالاترین سطح زیست‌پذیری می‌باشند و روستای وشنوه، ورجان و

کرمجگان به ترتیب با ۳،۳ و 4 امتیاز به‌عنوان سه روستایی هستند که به لحاظ زیست‌پذیری دارای بدترین شرایط زندگی در بخش کهک می‌باشند.

نتیجه

در این تحقیق که با هدف کلی بررسی شناسایی شاخص‌های جوامع روستایی زیست‌پذیر و ارزیابی این شرایط در وضع موجود در سکونتگاه‌های روستایی بخش کهک شهرستان قم صورت گرفت، 16 مورد از شاخص‌های مشترک روستاهای زیست‌پذیری در 4 بعد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی مشخص گردید. نتایج نشان داد که شاخص‌های اقتصادی نظیر شغل، سطح درآمد، میزان پس انداز و... در میان سایر معیارها، تأثیر به‌سزایی در تعیین میزان زیست‌پذیری در نواحی روستایی این بخش داشته است. این یافته با نتایج مطالعات (Wills-Herrera et al, 2011; Okulicz-) (Kozaryn, 2012) که برخی از چالش‌های اقتصادی (نظیر بیکاری، فقر، کمبود فرصت‌های شغلی، سطح پایین سواد و...) را مهم‌ترین چالش کنونی جوامع روستایی زیست‌پذیر می‌داند و دیدگاه ژانگ‌مائو (2010)، مبنی بر اینکه چالش‌های نوع اول (مادی و اقتصادی) نظیر سطح درآمد و میزان پس انداز روستائیان، شاخص اصلی برای اندازه‌گیری استانداردهای زندگی است، مطابقت دارد. همچنین با نتایج مطالعات طاهری و همکاران (1389) در ایران که برخی از شاخص‌های اقتصادی نظیر کیفیت زیر ساخت‌ها، کیفیت محیط مسکونی، کیفیت محیط طبیعی، کیفیت اشتغال و درآمد را به‌عنوان مهم‌ترین شاخص‌ها جهت ارزیابی کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی معرفی می‌نمایند نیز منطبق است. هر چند ایجاد شرایط اقتصادی لازم مانند اشتغال و درآمد

این موضوع بیانگر این است که سکونتگاه‌هایی موفق‌تر و توسعه یافته‌تر هستند که در کنار ارائه خدمات با کیفیت‌تر، از لحاظ اقتصادی نیز توان رقابت‌پذیری با سایر سکونتگاه‌ها را داشته باشند و جریان کار و سرمایه را به سمت خود جذب نمایند. بدین ترتیب چنین سکونتگاه‌هایی قادر خواهند بود تا خدمات زیربنایی و روئینایی بهتری را برای ساکنین خود فراهم سازند.

به عبارتی در عصر جدید شدت رقابت اقتصادی میان مراکز جمعیتی (شهرها، روستاها و یا سکونتگاه‌های روستایی با یکدیگر) موجب می‌شود تا سیاستمداران عرصه توسعه کشور، تلاش کنند تا تفاوت زندگی مادی هم بین مناطق روستایی با یکدیگر و هم با مناطق شهری را از بین برده و حداکثر تلاش خود را برای بهبود استانداردهای زندگی در مناطق روستایی به‌کار گیرند. بهبود کیفیت شرایط زندگی روستاییان و به‌ویژه توانمندسازی اقتصادی آنان باعث ثبات اقتصادی و پایداری شاخص‌های زیست‌پذیری در مناطق روستایی خواهد شد.

هرچند هدف کلی این مطالعه بررسی شاخص‌های جوامع روستایی زیست‌پذیر بود، اما نباید فراموش کنیم زنان بخش اعظمی از جمعیت روستایی را تشکیل داده و نقش به‌سزایی در توسعه روستایی دارند. از این‌رو به‌منظور درک بیشتر الگوهای زیست‌پذیری در مناطق روستایی، پیشنهاد می‌شود مطالعاتی در زمینه بررسی و مقایسه دیدگاه‌های زنان و مردان روستایی صورت گیرد. این موضوع کمک می‌کند تا دیدگاه‌های جدیدی در زمینه زیست‌پذیری نقاط روستایی نمایان و چالش‌ها و راهکارها بیشتر نمایان شوند. به‌علاوه از آنجا که اغلب مناطق روستایی ایران از جنبه‌های مختلف قومی، نژادی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی با یکدیگر متفاوت هستند، به گونه‌ای که از برخی جنبه‌ها مثلاً

پایدار، پس انداز و داشت مسکن مناسب و ... اصلی‌ترین الگوهای زیست‌پذیری در منطقه مورد مطالعه هستند که برای بهبود استاندارد و کیفیت زندگی روستائیان باید مورد توجه ویژه کارشناسان و تصمیم‌گیرندگان امر توسعه روستایی قرار گیرند، اما مطالعات میدانی چالش‌هایی فراتر از دیدگاه نظری و عملی پژوهشگران عرصه توسعه روستایی نمایان می‌سازد. وضعیت مناسب مادی می‌تواند شرایط زندگی خوبی برای روستائیان مهیا سازد و آن‌ها را توانمند ساخته و زمینه‌ساز ارتقای کیفیت زندگی در جوامع روستایی باشند (D'Agostini and Fantini, 2008)، اما الگوهای زیست‌پذیری از یک منطقه به منطقه دیگر و حتی ممکن است از یک نقطه به دیگر نقاط روستایی کاملاً متفاوت باشد.

نتایج روش تحلیل واریانس نشان داد که بین میانگین‌های زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی محدوده مورد مطالعه، اختلاف معناداری وجود دارد. مقایسه تطبیقی سکونتگاه‌ها با استفاده از آزمون توکی و دانت نشان داد برخی از روستاها با وجود جمعیت کم در مقایسه با سایر روستاها دارای بالاترین سطح زیست‌پذیری می‌باشند. با این تفاسیر روستاهای کم جمعیت‌تری نظیر فردو با وجود آنکه نسبت به سایر سکونتگاه‌های بخش کهک جمعیت کمتری دارند اما وضعیت اقتصادی مناسب و خدمات باکیفیت‌تر موجب شده به‌عنوان زیست‌پذیرترین روستای بخش شناخته شود. در مقابل برخی سکونتگاه‌های روستایی نظیر ورجان و کرمجگان با وجود آنکه دارای جمعیت بیشتر و خدمات بیشتری نسبت به فردو می‌باشد اما از لحاظ شرایط مناسب زندگی به ویژه شرایط اقتصادی نتوانسته به شکل بهینه‌ای نیاز ساکنین خود را تأمین کند؛ لذا از لحاظ زیست‌پذیری در رده‌های پایین‌تری نسبت به فردو قرار گرفته‌اند.

قومی و نژادی، حتی ممکن است یک روستا با روستای همجوار تفاوت داشته باشد لذا پیشنهاد می‌شود به منظور کاهش این فاصله‌ها و درک عمیق موضوع، مطالعات گسترده‌ای در زمینه تعیین الگوهای زیست پذیری در مناطق مختلف جغرافیای ایران بر حسب روستا، مراکز خدمات کشاورزی، دهستان، بخش، شهرستان و استان صورت گیرد.

پی نوشت

1. Qouality of life
2. Conditins of living
3. Livability

فهرست منابع

- پورطاهری، مهدی، رکن الدین افتخاری، عبدالرضا، فتاحی، احداله. 1388، ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی. پژوهش‌های جغرافیای انسانی. شماره 76: 31-13.
- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا، فتاحی، احداله، حاجی پور، مجتبی. 1390، ارزیابی توزیع فضایی کیفیت زندگی در مناطق روستایی - مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان دلفان. پژوهش‌های روستایی سال دوم شماره 3: 94-69.
- بهرامی، رحمت الله. 1390، محدودیت‌های و تنگناهای محیطی و تأثیر آن بر ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی - مطالعه موردی شهرستان سنندج. پژوهش‌های روستایی سال دوم شماره 7: 167-145.
- متوسلی، محمود، نیکونسبتی، علی، بیات، مجتبی. 1389، توسعه انسانی به مثابه فرایند در هم تنیده، مجله توسعه روستایی. دور اول شماره 2: 22-1.
- رضوانی، محمد رضا، منصوریان، حسین، احمدی، فاطمه. 1388، ارتقاء روستا به شهر نقش آن در بهبود کیفیت ساکنان محلی - مطالعه موردی شهر فیروزآباد و صاحب در استان های لرستان و کردستان. پژوهش‌های روستایی سال اول شماره 1: 33-1.

- رستمی زاده، والی اله، سلیمانی، مسعود. 1390، زندگی مطلوب روستایی با تأکید بر بهزیستی اجتماع روستایی. مجله توسعه روستایی دور سوم. شماره 2: 186-165.
- فرجی سبکبار، حسنعلی، صادقلو، طاهره، سجاسی قیداری، حمداله. 1390، سنجش کیفیت زندگی در نواحی روستایی: مطالعه موردی دهستان آق بلاغ استان زنجان. فصلنامه روستا و توسعه سال 14 شماره 4: 48-28.